



The Individual and Social Effects of Memorizing the Quran and Its Role in Islamic Civilization with Emphasis on the Declaration of the Second Step of the Revolution*

Seyyed Mujtaba Rizvi^۱

Abdullah Jebraeili Jolodar^۲

Abstract

A civilization based on religious teachings is one of the keywords that has been repeatedly emphasized by the Supreme Leader. The declaration of the second step of the Islamic Revolution also speaks of establishing a new Islamic civilization. A civilization that is based on Islamic teachings must be based on the Quran, and to build such a civilization, establishing more and more familiarity with the Quran is one of the undeniable conditions. Memorizing the Quran is one of the most important methods of learning the Holy Quran, which has a lot of effects. This article seeks to enumerate the effects of memorizing the Quran by descriptive-analytical method and examines its role in the formation of Islamic civilization. The results indicate that memorizing the Quran has a great impact on self-improvement, family pedagogy and community pedagogy and therefore plays an effective role in civilization. In this article, a few examples of individual and social effects of memorizing the Quran are mentioned.

Keywords: Quran Memorization, Familiarity with the Quran, Declaration of the Second Step of the Islamic Revolution, Self-improvement, family Pedagogy, Community Pedagogy, Civilization Establishment.

*. Date of receiving: ۱, August, ۲۰۲۱- Date of approval: ۳, November, ۲۰۲۱.

۱ - Ph.D. in Comparative Exegesis, Al-Mustafa International University (Corresponding Author): smujtabarizvi@yahoo.com

۲- Ph.D. in Comparative Exegesis, Al-Mustafa International University: e.jebraeili@chmail.com



مقاله علمی - پژوهشی

تأثیرات فردی و اجتماعی حفظ قرآن در تمدن اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*

سید مجتبی رضوی^۱ - عبدالله جبرئیلی^۲

چکیده

تمدن سازی بر پایه آموزه‌های دینی یکی از کلیدواژه‌هایی است که بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری واقع شده است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز ایجاد تمدن نوین اسلامی مطرح شده است. تمدنی که بر اساس تعالیم اسلامی بنیان نهاده می‌شود، باید قرآن را اساس و محور خود قرار دهد و برای ساختن چنین تمدنی برقراری انس هر چه بیشتر با قرآن، یکی از شرایط انکار ناپذیر است. حفظ قرآن یکی از مهمترین شیوه‌های انس با قرآن کریم محسوب شده که دارای تأثیرات فراوانی می‌باشد. این نوشتار می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی آثار حفظ قرآن را برشمارد و نقش آن در شکل گیری تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. نتایج تحقیق حاکی از این است که حفظ قرآن در خودسازی، خانواده سازی و جامعه سازی تأثیر فراوان داشته و در نتیجه نقش موثری در تمدن سازی ایفا می‌کند. در این مقاله نمونه‌های از تأثیرات فردی و اجتماعی حفظ قرآن بیان شده است.

کلید واژه‌ها: حفظ قرآن، انس با قرآن، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، خودسازی، خانواده سازی، جامعه سازی، تمدن سازی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۷ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۸/۱۲.

۱ - استاد همکار و دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): smujtabarizvi@yahoo.com

۲ - استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه: e.jebraeili@chmail.com



مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی دین مبین اسلام در برهه‌ای از زمان و در منطقه‌ای نازل شد که تمدن‌های بزرگی در اطراف و اکناف، قد علم کرده بودند؛ اما دیری نپایید که مردم کم بهره از تمدن، چنان تمدن با شکوهی را بنا نهادند که از شرق آسیا تا مناطق دور اندلس را زیر سیطره خود گرفت و در عرصه‌های گوناگون دانش، هنر و فرهنگ با تمام زیر شاخه‌هایشان تا مدت‌های مدید، در قله جهان قرار داشتند.

مسئله قرآن به عنوان نسخه هدایتگر امت اسلامی تأثیر زیادی در برپایی این تمدن داشته است، بر همین اساس اگر مسلمانان بخواهند بار دیگر تمدنی نوین بنا نهند، بی شک باید رمز و راز آن را در آموزه‌های وحیانی جستجو کرد.

راهکار اساسی برای بهره جستن از این کتاب الهی، داشتن انس هر چه بیشتر با آن است و حفظ قرآن، یکی از مهمترین ابزار ایجاد انس با قرآن کریم است. در این نوشتار پس از اشاره‌ای گذرا به مهمترین واژگان به نقش حفظ قرآن در تمدن‌سازی اسلامی پرداخته می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

پیشنیاز هر بحثی شناخت دقیق و فهم واژگان کلیدی آن بحث است. لذا ضروری دارد، پیش از ورود به اصل بحث، کلمه حفظ مورد بررسی قرار گیرد و معنای لغوی و اصطلاحی آن روشن شود.

۱- حفظ قرآن

یکم. حفظ در لغت

خلیل بن احمد در کتاب العین می‌گوید: «الحفظ: تقيض النسيان، وهو التعاهد وقلة الغفلة» (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۱۹۹/۳) «حفظ تقيض فراموشی است و آن عبارت است از به خاطر داشتن و کمتر مورد غفلت و بی‌توجهی قرار دادن.»

همین مطلب را ابن منظور در لسان العرب آورده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۴۱/۷).
راغب درباره‌ی این واژه چنین می‌نویسد: «الحفظ: الحِفظُ يقال تارة لهيئة النفس ألتى بها يثبت

مایودی إليه الفهم، وتارة لضبط الشيء في النفس، ويضادّه النسيان، وتارة لاستعمال تلك القوة، فيقال: حَفِظْتُ كَذَا حِفْظًا، ثم يستعمل في كل تفقد وتعهد ورعاية... والتَحَفُّظُ: قيل: هو قلة الغفلة، وحقيقته إنما هو تكلف الحفظ لضعف القوة الحافظة» (راغب اصفهانی، المفردات في غريب القرآن، ۱۴۱۲: ۲۴۴) «گاهی به حالتی از جان و نفس گفته می شود که در آن حالت فهم و درک با آرامش به نفس و جان می رسد و ثابت می ماند و گاهی نیز به معنی قدرت یادگیری و ضبط نفس است و ضد آن نسیان و فراموشی است؛ و گاهی - حفظ - در معنی به کار بردن آن نیرو است، چنانکه می گویند: حفظت کذا حفظاً- آن را از بر نمودم و در خاطر نگه داشتم، سپس واژه حفظ- در باره غمخواری و عهده دار شدن و نگهداری و رعایت چیزی و کسی به کار رفته است ... تحفُّظ: به معنای کمبود غفلت است و حقیقت آن عبارت است از این که شخصی به خاطر ضعف نیروی حافظه به سختی چیزی را به یاد بسپارد.» در کتاب التحقیق بعد از نقل معانی متعدد برای حفظ، مثل نگهداری مال از تلف شدن و حفظ امانت از خیانت، حفظ نماز از فوت شدن، چنین آمده است: حقیقت حفظ همان مراقبت و نگهداری است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص: ۲۵۳)؛ بنابراین واژه «حفظ» در زبان عرب در دو معنا به کار رفته است:

نخست، نگهداری و نگهداری؛ دوم، به خاطر سپردن (ضد فراموشی). البته از اقوال اهل لغت می توان چنین برداشت کرد که هر دو معنا به یک اصل برگردد و آن همان جلوگیری از نابود شدن چیزی در ذهن یا عالم خارج است.

دوم. حفظ در اصطلاح

حفظ در اصطلاح به معنای به خاطر سپردن و از بر کردن است و در بحث پیش رو منظور خواندن قرآن با تکیه بر حافظه است. حافظ اسم فاعل است که در اصطلاح علوم قرآنی، به کسی می گویند که همه قرآن را با به کار بردن قرائت قابل قبول قرآن شناسان به خاطر سپرده باشد.

در صدر اسلام به حفاظ قرآن، قاری گفته می شد و در واقع قرائت از حفظ جدا نبود (عاملی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ۱۳۷۴: ۲۵۹)؛ همان طور که در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: «مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَائِعًا وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا فَلَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَتَا دِينَارٍ فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ إِنْ مُنِعَ فِي الدُّنْيَا أَخَذَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَافِيَةً أَحْوَجَ مَا يَكُونُ إِلَيْهَا» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۶/۱). باید توجه داشت که عبارت «قرأ القرآن ظاهراً» به معنای حفظ کردن قرآن است؛ و این یک معنای کنایی



است؛ بنابراین، ترجمه‌ی این عبارت به «خواندن قرآن به طور آشکار» درست نیست، چنان‌که برخی از مترجمان این‌گونه معنا کرده‌اند.

اصطلاح حافظ، علاوه بر حافظ قرآن یک کاربرد دیگر نیز دارد؛ به کسی که بر سنن رسول اکرم ﷺ احاطه داشته، موارد اتفاق و اختلاف آن را بداند و به احوال راویان و طبقات مشایخ آگاهی کامل داشته باشد نیز، حافظ می‌گویند برخی تعداد آن را نیز معین کرده‌اند و گفته‌اند: باید فرد صد هزار حدیث با سند از حفظ باشد تا این واژه بر او اطلاق شود. برخی معتقدند: در صدر اسلام به خاطر سپارندگان قرآن را «حافظ» نمی‌خواندند و با واژه‌هایی چون «جُمَاع القرآن»، «قُرَاء القرآن»، «حَمَلَة القرآن» و «الماهرین فی القرآن» از آنان یاد می‌کردند. واژه حفظ قرآن و واژه‌ی حافظ پس از قرن اول یا نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری در این معنا به کار گرفته شد. علامه عسکری در کتاب ارزشمند خویش می‌نویسد: واژه حافظ پس از قرن اول به کار رفته است و در صدر اسلام به کسی که قرآن را از بر بود، جامع می‌گفتند (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۳۲۱/۱)؛ ولی دائرةالمعارف تشیع زمان به کارگیری این واژه در معنای اصطلاحی را بعد از نیمه دوم قرن دوم هجری می‌داند.

علامه حسن زاده آملی معتقد است: در صدر اسلام حافظ لقب کسی بود که قرآن را تماماً حفظ داشته باشد؛ اما بعدها مصطلح شد برای کسی که صد هزار حدیث از حفظ باشد (حسن‌زاده آملی، هزار و یک کلمه، ۱۳۹۷: ۴/ ۴۸۳، کلمه‌ی ۳۷۶).

در مجموع می‌توان گفت نظر علامه عسکری به واقع نزدیک‌تر است؛ زیرا در دو روایت از امام صادق علیه السلام واژه‌های الحافظ للقرآن (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۵۹) و حافظ القرآن به کار رفته است (همان: ۲۲/۹۲). امام صادق علیه السلام در سال ۸۳ هجری دیده به جهان گشود؛ بنابراین واژه‌ی حافظ قرآن تقریباً بعد از قرن اول هجری به تدریج در معنای اصطلاحی استعمال شده است. یادآوری می‌شود که واژه‌ی «حافظ» در متون ادبی و منابع تاریخی بعد از نیمه دوم هجری به کار رفته است. البته این سخن با کلام علامه حسن زاده آملی نیز منافات ندارد و می‌توان گفت اصطلاح حافظ در مورد حافظ حدیث بعد از رواج آن در مورد حافظ قرآن شایع شده است.



۲- تمدن

یکم. تمدن در لغت

ریشه واژه «تمدن» اگرچه عربی است اما معمولاً امروزه در عربی معادل واژه «الحضارة» به کار می‌رود. واژه «الحضارة» از ریشه «حَضَرَ» به معنای اقامت در شهر (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۲)؛ همچنین این کلمه به معنای شهر، قریه و روستاست و در مقابل آن، بدویّت و بادیه‌نشینی قرار دارد. بر این اساس تمدن به معنای مرحله‌ای از تکامل فکری، علمی، هنری، ادبی و اجتماعی جامعه است (جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۰: ۲۴).

دهخدا چنین می‌نگارد: تمدن در لغت به معنای تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت در شهر، بودوباش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه و مجازاً تربیت و ادب است (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۱: ذیل واژه «تمدن»).

همچنین در فرهنگ معین آمده است: تمدن یعنی همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و.. (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۷: ۳۴۵).

دوم. تمدن در اصطلاح

تعاریف متعددی برای تمدن در اصطلاح بیان شده است. برخی گفته‌اند: از وقتی که بشریت به تغییر و تحول در نوع زندگی و رفتار اجتماعی و اولیه خود روی آورده و برای بهبود وضع موجود و نیازهای خود کوشیده است، حاصل آن تلاش‌ها، دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بوده است که آن را «تمدن» می‌نامند. از همین رو، علامه جعفری (ره) می‌گوید: تمدن، تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است (جعفری، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۶: ۱۶۱/۵).

ب. نقش حفظ قرآن در تمدن سازی اسلامی

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم که در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند ایران اسلامی صادر فرمودند، اولین نکته‌ای که بدان اشاره فرمودند، ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است. این امر نشان‌دهنده اهمیت ساختن خود، اطرافیان و جامعه برای ساختن یک تمدن است؛ یعنی برای ساخت یک تمدن باید به همه ابعاد مذکور توجه



داشت و بی‌توجهی به هر کدام از آن می‌تواند، نقص و آسیبی به ایجاد تمدن اسلامی وارد آورد. پیشوایان دینی ما تأکیدهای بسیار زیادی بر حفظ قرآن داشته‌اند. شاید سر این همه تأکید بر حفظ قرآن، تأثیرات فراوان این امر بر حافظ قرآن و سایرین است، در یک تقسیم‌بندی می‌توان تأثیرات حفظ قرآن را بر دو بخش تأثیرات فردی و تأثیرات اجتماعی تقسیم کرد؛ بنابراین تأثیرات حفظ قرآن در دو محور مورد بحث قرار می‌گیرد.

اول. تأثیرات فردی حفظ قرآن

تجربه حافظان قرآن، گواه این است که حفظ قرآن، تأثیر زیادی در شخصیت‌سازی آنان داشته است. برخی از اثراتی که در سایه آیات و روایات می‌توان به آن اشاره کرد عبارت‌اند از:

۱. نورانیت و آبادانی قلب و ذهن

قرآن نور است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾ (نساء/ ۱۷۴)؛ و کسی که قلب و ذهنش را جایگاه قرآن قرار دهد، مسلماً از این نورانیت بهره می‌برد. این نورانیت می‌تواند نمودهای گوناگونی داشته باشد، از تقویت نیروی حافظه گرفته تا پاک شدن ذهن انسان از افکار منحرف و اغواگر. در مقابل اگر کسی هیچ بهره‌ای از قرآن نداشته باشد، بر اساس روایات قلبش همچون ویرانه‌ای است (ری‌شهری، میزان الحکمه، ۱۳۶۳: ۴۸۱۶/۱۰). چنان‌که خانه‌ی ویران نزد مردم ارزش ندارد، دل تهی از آیات الهی نیز در نزد خداوند بی‌ارزش است. اساس شرافت و ارزش انسان‌ها تقوا و انس با قرآن است. روح مانند بدن به غذا نیاز دارد و غذای آن قرآن و معارف الهی است. دلی که از کلام وحی بی‌بهره باشد، مرده و چون خانه‌ی ویران است.

از طرفی حفظ قرآن و انس مستمر و طولانی با آن سبب زیادشدن معنویت نیز می‌شود، در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که سزاوارترین مردم نسبت به انجام عبادات، نماز و روزه در آشکار و نهان، حافظ قرآن است (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۶۰۳/۲).

به صورت عینی نیز دیده شده حافظان قرآن معمولاً دارای معنویت خاصی هستند. رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان تأکید داشتند قرآن مایه روحانیت، معنویت و برکت است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۱۱).



۲. زمینه سازی برای فهم قرآن

حفظ قرآن با تمام فضیلتی که دارد، هدف نهایی نیست، بلکه مقدمه‌ای برای فهم و تدبر در آیات الهی است. تدبر قرآن و تلاش برای فهم معانی آن چیزی است که در خود قرآن به عنوان هدف نزول بیان شده است: ﴿کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص / ۲۹)؛ «این کتاب پر برکتی است که به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند.»

تدبر در آیات با یک بار و دو بار خواندن حاصل نمی‌شود و نیاز به انس دائمی با قرآن دارد. از بهترین شیوه‌های انس با قرآن، حفظ آیات کریمه آن است. پس حفظ قرآن یکی از مقدمات تدبر در قرآن است؛ چراکه حافظ برای تسلط بر محفوظات خویش، توفیق می‌یابد، به صورت دایمی، روزانه آیات فراوانی از قرآن را تلاوت کند و این به معنای فرصتی مناسب برای تدبر و فهم است. رهبر معظم انقلاب نیز در فرمایشات متعددی به این مسئله اشاره داشته‌اند که حفظ قرآن مقدمه خوبی، برای تدبر به قرآن است (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن کشور، ۱۳۸۰/۶/۲۸).

۳. بهره‌مندی از گفتار نیک

قرآن در موارد متعددی به نیکو سخن گفتن اشاره داشته است، گاهی مستقیم به نیکو سخن گفتن دستور داده است (نساء / ۵ و ۸)؛ گاهی کلام نیک را از صدقه توأم با آزار و اذیت برتر دانسته است (بقره / ۲۶۳)؛ گاهی گفتار مسالمت‌آمیز را جزو ویژه‌گی‌های بندگان ویژه خداوند رحمان برشمرده است (فرقان / ۶۳)؛ کسی که به امر حفظ قرآن مبادرت داشته و شب و روز آیات نورانی قرآن را بر زبان جاری می‌سازد، همواره مواظب است که با این زبانی که با تلاوت آیات قرآن نورانی گشته، کلام نا زیبا نگوید و زبانش را آلوده نسازد.

۴. مصونیت‌سازی

یکی از آثار حفظ قرآن، مصونیت‌سازی حافظ از عذاب الهی است. چنانچه در حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ چنین نقل شده است: «قرآن را بخوانید و آن را به یاد بسپارید؛ زیرا خداوند متعال قلبی که قلب را در خود جای داده باشد را عذاب نمی‌کند.» (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۴/۲۴۵). این بینش به فرد احساس آرامش می‌دهد و همین آرامش روانی تأثیر شگرفی در روحیه فرد، افزایش اعتماد به نفس، دوری از افسردگی و ناامیدی و در نتیجه شکوفایی استعدادهای انسان دارد.



حفظ قرآن مجید و انس با آن، انسان را در مسیر عمل به وحی و بهره جستن از معارف آن قرار می دهد و در نتیجه از آتش دوزخ مصون می دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر قرآن در پوستی باشد، آتش به او نخواهد رسید.» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱/ ۴۵)؛ همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هنگامی که خدا از آسمان بلایی می فرستد، سه گروه را از آن محافظت می کند، حافظان قرآن و نمازگزاران اول وقت و آبادگران مساجد.» (همان: ۳/ ۱۴۹).

۵. حسن عاقبت

اساساً هر شخصی همواره نسبت به عاقبت خویش فکرمند است. انسان معتقد به آخرت و متعهد افق دیدش فراتر از دنیا بوده و به حسن عاقبت در سرای باقی می اندیشد. از همین رو یکی از مهمترین مسائلی که در ادعیه قرآنی و میراث روایی ما مورد تأکید قرار گرفته، نجات از آتش جهنم و راهیابی به بهشت است. خود بهشت نیز دارای مراتب و درجاتی است. بر اساس حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است، تعداد درجات بهشت مطابق با آیات قرآن است و حافظ قرآن بر اساس آیاتی که حفظ است، می خواند و بالا می رود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۲/ ۸۹). انسان همواره طالب کمال و ترقی است، اگر خواستار ترقی در بهشت است، باید آیات الهی را حفظ کند، چون با حفظ و عمل به هر آیه مقام او در بهشت یک درجه بالاتر می شود.

۶. پرچمدار اسلام

در میان عرب، پرچم به عنوان نماد یک قوم یا کشور بوده و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (البته اهمیت پرچم تا کنون در تمام نقاط جهان است). در حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «حامل قرآن پرچمدار اسلام است، هر که او را اکرام کند، در واقع خدا را اکرام کرده است و هر کس او را خار کند، لعنت خدا بر او باد.» (ری شهری، میزان الحکمة، ۱۳۶۳: ۷۹/ ۸، ح ۱۶۱۹۰؛ متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ۱۴۰۵: ۱/ ۵۲۳، ح ۲۳۴۴).

۷. انس انسان با قرآن

تلاوت و انس با قرآن از سفارش های مکرر معصومان است و حفظ قرآن به طور طبیعی به انس با آیات الهی می انجامد؛ زیرا حافظ قرآن باید برای تثبیت محفوظات قرآنی اش حتماً باید روزی چند بار



به قرائت قرآن بپردازد. معصومان علیهم السلام، حافظان قرآن را به تکرار آیات الهی فراخوانده، یادآور شده‌اند، همان‌گونه که شتر بسته شده در یک نقطه - چنانچه مورد دیدار پی در پی صاحبش واقع نشود. - جایگاهش را ترک می‌کند، محفوظات حافظ قرآن نیز - اگر پیوسته مورد مراجعه و تکرار قرار نگیرد، از خاطر فراموش می‌شود (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۲۶۲/۴)؛ بنابراین حافظ، ناگزیر با قرآن انس می‌گیرد و زمینه هدایت و سعادتش فراهم می‌آید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ کس با قرآن همنشین نمی‌شود، مگر این که از کنار آن با افزایش یا کاهش برمی‌خیزد: افزایش هدایت یا کاهش گمراهی.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خ ۱۷۶). نفوذ قرآن در جان‌ها و پدید آوردن تحول در شخصیت افراد نیز از آثار سازنده تلاوت و حفظ قرآن است. بسیاری از مردم با تلاوت یا شنیدن آهنگ دلنشین قرآن مسیر زندگی خود را تغییر داده، سمت سعادت و کمال رهنمون شدند.

۸. آرامش روحی

یاد خدا تأثیر بسزایی در روان آدمی دارد و دل‌ها در پرتو آن آرام می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/ ۲۸)؛ «همانا یاد خدا مایه آرامش دل‌هاست.» یکی از نام‌های قرآن ذکر است. تلاوت و حفظ قرآن نوعی ذکر خداوند است که انسان در پرتو آن از هجوم بسیاری از فشارهای روانی و اضطرابات درونی مصون می‌ماند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قرآن را بیاموزید، چون مثل قرآن مثل کیسه‌ی سربسته‌ی پر از مشک است. اگر آن را باز کنی، بوی مشک فضا را معطر می‌سازد و اگر به حال خود رها سازی، سود نمی‌بخشد.» (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۲۴۶/۴). قرآن نیز، چنانچه به تلاوتش روی آوری، فضا را از عطر خود آکنده می‌سازد و روان را نشاط می‌بخشد؛ و اگر تلاوت نکنی، در سینه‌ات پنهان می‌ماند.

۹. نجات از تنهایی

کتاب، بهترین همنشین تنهایی است و قرآن زیباترین، عمیق‌ترین و با نفوذترین کتاب شمرده می‌شود. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «اگر همه مردم روی زمین از دنیا بروند تا وقتی قرآن با من است، از هیچ چیز وحشت ندارم.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۶۷: ۳۳۱/۵).

دانشمندان روان‌شناسی، تنهایی را علت بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها می‌دانند. امروزه بسیاری از افرادی که به نحوی احساس تنهایی دارند، در معرض افسردگی، ناامیدی، گوشه‌گیری و دیگر اختلالات روانی قرار دارند. کسی که آیات الهی را در ذهن و حافظه دارد، هیچ‌گاه از تنهایی رنج



نمی‌برد. او از هر فرصتی برای مرور آیات قرآن استفاده می‌کند و قرآن بهترین رفیق و همدم لحظات تنهایی وی است.

۱۰. همنشینی با فرشتگان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حافظ قرآنی که به آن عمل کند، با فرشتگان پیغام‌بر و نیک رفتار همنشین خواهد شد.» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۴/۴۰۵). سخن امام صادق علیه السلام بر همراهی و همنشینی حافظان و مفسران با سفیران الهی گواهی می‌دهد. بی‌تردید وقتی دانشمندان و حافظان قرآن کاری شبیه فرشتگان و حاملان وحی انجام می‌دهند، با آن‌ها در یک جایگاه و رتبه قرار می‌گیرند.

۱۱. مشمول آمرزش الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که قرآن را از حفظ بخواند و گمان کند، خدای تعالی او را نمی‌آمرزد، در شمار کسانی که آیات الهی را به تمسخر گرفته‌اند، جای قرار دارد.» (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۴/۲۶۹). حفظ قرآن در حدی اهمیت دارد که آمرزش گناهان در قبال چنان امر مسلمی تلقی شده است که گمان عدم مساوی با تمسخر آیات اوست و این بسیار امر مهمی است.

۱۲. پاداش مضاعف

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس در فراگیری قرآن بکوشد و به سبب کمی حافظه آن را به سختی حفظ کند، دو پاداش دارد، پاداشی برای حفظ آن و پاداشی برای تحمل سختی آن.» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۴/۴۰۹)؛ یعنی چنین شخصی دو کار خوب را انجام می‌داده است، یکی حفظ قرآن و دوم زحمت بیشتر به خاطر کم حافظه بودن و هر دوی این کارها ارزشمند است.

۱۳. پذیرفته شدن شفاعت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس (به قدری) قرآن بخواند تا حفظ شود، خداوند او را به بهشت داخل می‌کند و شفاعتش را درباره‌ی ده تن از خانواده‌اش که آتش بر آن‌ها واجب شده، می‌پذیرد.» (همان: ۱/۴۵). همان‌گونه که خود قرآن در حق مؤمنان شفاعت می‌کند و آنان را به بهشت رهنمون می‌شود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۰/۹۲)؛ مردم از خدا دعا می‌کنند که خدا آنان را مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام گرداند؛ اما حافظ قرآن چه فضیلتی دارد که خدا به او حق شفاعت کردن می‌دهد.



۱۴. فراهم شدن زمینه عمل شخص به قرآن

یکی از مهمترین اثرات حفظ قرآن کریم، توفیق عمل حافظ به آیات الهی است. یکی از آثار و برکات انس با قرآن، اثر تربیتی و سازنده انس با این کتاب شریف است. حضرت علی علیه السلام درباره قرآن کریم می فرمایند: «... بدانید که قرآن مشاوری است که خیانت نمی ورزد و راهنمایی است که گمراه نمی کند و گویندهای است که دروغ نمی گوید. هیچ کس با این قرآن نشست، مگر این که با افزایش یا کاهش از نزدن برخاست. افزایش در هدایت یا کاهش در و گمراهی.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۷۶) حافظ قرآن با انس مستمر با قرآن، تأمل و تدبر در آیات، زمینه مناسب تری برای عمل به دستورات قرآن کریم دارد. در هر حادثه و واقعه ای، ناخودآگاه قرآن به عنوان مشاور راستین که همواره، همراه حافظ و صاحب خویش است، نقش هدایت بخش خود را ایفا نموده و آیه ای نورانی را به عنوان دستورالعمل در ذهن حافظ تداعی و یادآوری می نماید. مطابق فرمایش مولا، صرف نشست و برخاست با قرآن، زمینه ساز هدایت و عمل به آیات و رفع نقصان ها و افزایش در هدایت و صلاح است. البته این مسئله می تواند علاوه بر فرد بر جامعه نیز تاثیرگذار باشد که در قسمت تأثیرات اجتماعی اشاره می شود.

۱۵. دریافت پاداش انبیا

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای سلمان،... همانا بعد از انبیا بهترین بندگان نزد خداوند عالمان هستند و سپس قاریان و حافظان قرآن. آنان همانند انبیا از دنیا می روند، همراه آنان از قبرهایشان برانگیخته می شوند، در کنار آنان از صراط می گذرند و پاداش آن ها را (از خداوند) دریافت می کنند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۷/۹۲). این تعبیر بسیار بلندی است که برای حفاظ قرآن بیان شده است. چه فضیلتی بالاتر از اینکه خداوند متعال حشر و نشر حافظان کلامش را در کنار انبیا بزرگوار علیهم السلام قرار می دهد و پاداشی در تراز پیامبران به آنان عطا می فرماید. شاید رمز این مطلب این باشد که پیامبران پیغام الهی را به مردم ابلاغ می کردند و حافظان قرآن کلام الهی را در سینه خویش محفوظ داشته و ضمن بهره مندی خود از این انوار الهی در جامعه نیز پرتوافشانی می کنند.

دوم. تأثیرات اجتماعی حفظ قرآن

حفظ قرآن علاوه بر تأثیرات فردی و شخصی، دارای اثرات متعدد اجتماعی نیز است. توجه به این اثرات و تلاش برای تحقق ساختن هر چه بیشتر آن، گامی در جهت تمدن سازی اسلامی است.



۱. عملی شدن تعالیم قرآن در جامعه

کسی که آیات خدا را از بر است و به قدری کلمات وحی با روح و جان و جسم وی آمیخته شده است، همواره می‌کوشد، خود نیز به فرامین قرآن عمل کند و دیگران را نیز بدین راه رهنمود سازد؛ زیرا حفظ قرآن مقدمه‌ای برای فهم بهتر و آن نیز پیش‌زمینه‌ای برای عمل به قرآن است. عمل به قرآن است که مایه نجات انسان است. بررسی دقیق نقش حافظ قرآن در جامعه نشان می‌دهد که این افراد تأثیر معنوی ویژه‌ای در جامعه دارند. تجربه نیز نشان می‌دهد که در جامعه‌ای که تعداد حافظان قرآن بیشتر است، بسیاری از مشکلات جامعه، جرائم و آسیب‌های اجتماعی کاسته می‌شود. هرچند اثبات این مسئله خود یک تحقیق علمی و میدانی وسیعی می‌طلبد که با ابزار و آمار دقیق صورت پذیرد؛ اما این حقیقت را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

۲. الگو و اسوه بودن حافظ قرآن در جامعه

حافظ قرآن به دلیل ارتباط وثیقی که با قرآن دارد، مبلغ قرآن است؛ زیرا مردم در اجتماع وی را بدین خصوصیت می‌شناسند، از این‌رو رفتار و گفتار وی می‌تواند، الگویی برای دیگران باشد. تأثیر این امر به صورت ویژه در خانواده قابل مشاهده است. نخستین مربیان کودک والدین وی هستند. دانشمندان روان‌شناسی بدین امر اذعان دارند که نخستین یادگیری‌ها در کودکان از طریق تقلید شکل می‌گیرد. فرزندان آینه رفتار والدینش هستند. هنگامی که پدر و مادر در منزل به تلاوت قرآن مشغول باشند، کودکان نیز این رفتار را الگو قرار داده و دنباله‌رو والدین خویش با قرآن مأنوس می‌شوند. در روایات متعددی بر خواندن قرآن در منزل تأکید شده است (حلی، عده الداعی و نجاه الساعی، ۱۴۰۷: ۲۸۶). حافظ قرآن به دلیل تکرار مداوم و مستمر، نسبت به سایرین توفیق زیادی برای قرائت دارد و این امر برای محیط خانواده و جامعه بسیار پر خیر و برکت است. گذشته از این حافظ قرآن باید بکوشد، سخن و عملش در پرتو قرآن باشد، این مسئله وظیفه حافظ قرآن را سنگین می‌کند.

در روایت مفصلی رسول خدا ﷺ به حافظان قرآن چنین توصیه می‌فرماید: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ تَوَاضَعْ بِهِ يَرْفَعُكَ اللَّهُ وَ لَا تَعَزَّزْ بِهِ فَيَذَلُّكَ اللَّهُ يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ تَزَيَّنْ بِهِ لِلَّهِ يَزِينُكَ اللَّهُ بِهِ وَ لَا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينُكَ اللَّهُ بِهِ مَنْ حَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَانَتْ أَدْرَجَتِ النَّبُوءَةُ بَيْنَ

جَنَّبِيهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يُوحَىٰ إِلَيْهِ وَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَتَوَلَّاهُ لَا يُجْهَلُ مَعَ مَنْ يُجْهَلُ عَلَيْهِ وَ لَا يَغْضَبُ فِيمَنْ يَغْضَبُ عَلَيْهِ وَ لَا يَحْدُ فِيمَنْ يَحْدُ وَ لَكِنَّهُ يَغْفُو وَ يَصْفَحُ وَ يَغْفُرُ وَ يَحْلُمُ لِيَتَعَزِّمَ الْقُرْآنَ وَ مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا مِّنَ النَّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَ حَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ. (كلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۶۰۳/۲)؛ «سزاوارترین مردم به خشوع داشتن در آشکار و نهان حافظ قرآن است؛ سزاوارترین افراد به انجام عبادات، نماز و روزه در آشکار و نهان، حافظ قرآن است. سپس با صدای بلند فرمودند: ای حامل قرآن به واسطه قرآن تواضع نما تا خدا درجه‌ی تو را بالا برد و تکبر نورز تا خدا تو را زبون نسازد؛ ای حامل قرآن خود را با قرآن برای خدا بیارای، تا خدا به تو آراستگی دهد. نه برای مردم تا خدا تو را بدان زشت کند. هر که قرآن را ختم نماید، گویی نبوت در سینه‌اش جای داده شده است، جز این که بر او وحی نمی‌شود. کسی که قرآن را در سینه خود جای داده با کسی که با او به جهالت برخورد می‌کند، جاهلانه رفتار نمی‌کند و بر کسی که بر او غضب کند، غضب نمی‌کند و با کسی که با او تندی کند، به تندی برخورد نمی‌کند؛ بلکه با عفو و گذشت و بخشش برخورد می‌کند و به جهت تعظیم و بزرگداشت قرآن، صبر و بردباری می‌نماید.»

۳. استفاده از آیات قرآن در مقام ارشاد و هدایت

یکی از مهمترین مزایای حفظ قرآن، استفاده از آیات روح بخش کلام الله در امر هدایت و ارشاد مردم است. امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و جزو واجبات اساسی دین مبین اسلام است که اهمیتی بسیار فراوانی دارد، به گونه‌ای که در روایات ضمانت اجرای تمامی فرائض الهی برشمرده شده (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۵۶/۵)؛ و همه نیکی‌ها در برابر آن همانند قطره‌ای در مقابل دریای خروشان معرفی شده‌اند (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۷۴).

سیره معصومین علیهم‌السلام بهترین الگوی تربیت است، در روایات نمونه‌های فراوانی دیده می‌شود که حضرات معصومین علیهم‌السلام هنگام امر به معروف و نهی از منکر به آیات قرآن استناد کرده‌اند. البته هیچ شکی نیست که تمامی کلمات معصومین علیهم‌السلام برای ما حجت و لازم‌الاجراست؛ اما همین که این ذوات مقدس کلامشان را به آیات قرآن مستند می‌فرمایند، افزون بر اینکه خود نوعی تفسیر به شمار می‌رود، می‌تواند نوعی جهت‌دهی برای ارشاد مردم باشد که دیگران نیز هنگام دعوت مردم به نیکی و بازداشتن از زشتی‌ها، از آیات قرآن نیز استفاده نمایند که اثربخشی آن مضاعف می‌شود. از باب نمونه ملاحظه می‌شود، هنگامی که یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به ایشان عرضه داشت، همسایه‌ای دارم که



صدای ساز و آواز از منزلشان به منزل من می‌رسد و من گاهی برای شنیدن این صدا مکث می‌کنم، امام وی را از این کار منع فرمودند. وی به امام عرض می‌کند من که با پای خود به سمت گناه نرفتم، بلکه صدایی است که به گوش من می‌رسد، امام علیه السلام با خواندن این آیه وی را متوجه می‌سازند: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/ ۳۶)؛ «همانا گوش و چشم و دل همگی باید پاسخگوی اعمال خویش - باشند.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۱۶).

در فرمایش دیگری امام صادق علیه السلام به مسمع فرمودند: ای مسمع هرگاه یکی از شما دچار اندوه شود، وضو سازد، به جایگاه نمازش رود و دو رکعت نماز گزارد و در آن از خداوند متعال دعا کند، آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (بقره/ ۴۵)؛ «و به وسیله صبر و نماز کمک جویند» (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۳).

در روایتی حسن و شاء چنین نقل می‌گویند: روزی بر امام رضا علیه السلام وارد شدم دیدم کوزه‌ای نزد حضرت هست و ایشان قصد آماده شدن برای نماز را دارند. من نزدیک رفتم و خواستم کوزه را بردارم و آب بر دستان امام بریزم، امام اجازه این کار را به من ندادند. من علت نهی امام را جویا شده عرضه داشتم، آیا نمی‌خواهید اجری به من برسد. امام فرمودند: به تو اجر برسد و بر من وزر؟! راوی با شگفت چگونگی آن را می‌پرسد. امام می‌فرماید: آیا این آیه قرآن را نشنیده‌ای که خدا می‌فرماید ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/ ۱۱۰)؛ «پس هر که به دیدار پروردگارش امید دارد، باید کار نیک انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک قرار ندهد.» من می‌خواهم برای نماز که عبادت است آماده شوم، دوست ندارم، کسی در این امر شریک من باشد (فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶: ۶/ ۳۳۰).

در روایتی مفصل از امام علی بن الحسین علیه السلام چنین آمده است، هنگامی که شخصی ظاهر الصلاح دو قرص نان و دو انار را دزدیده و میان فقراء تقسیم می‌کند و چنین می‌پندارد که چهل حسنه به دست آورده و مرتکب چهار سیئه شده است. امام با استناد به این آیه عمل نیک وی را نیز مردود اعلام می‌کنند: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مانده/ ۲۷)؛ «همانا خدا تنها از پروا پشنگان می‌پذیرد.» (صدوق، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۳۳).

این گونه موارد بسیار زیاد است که ذکر همه آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است، این نمونه‌ها و موارد مشابه می‌رساند که یکی از اثرات اجتماعی حفظ قرآن این است که یکی از بایسته‌های مبلغ و



هادی، این است که وی در مقام تبلیغ و هدایت مردم از آیات قرآن استفاده کند تا هم کلامش به نور قرآن منور و مزین باشد و هم از اثرات غیرقابل انکار این آیات در تربیت نفوس بهره گیرد. اگر کسی آیات قرآن را در ذهن و حافظه نداشته باشد، چگونه می‌تواند در امر به معروف و نهی از منکر از آن استفاده کند؟

۴. بخشش مجازات حافظان

مجازات مجرم‌ان دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. از نظر واقع شدن مجازات و کیفر بر فرد مجرم، جنبه شخصی دارد، ولی آنچه مهم‌تر است، اثرات اجتماعی آن است. فلسفه تشریح بسیاری از قوانین کیفری و جزایی در اسلام نیز جنبه پیشگیرانه آن در جامعه است.

در روزگار پیامبر ﷺ و علی علیه السلام دانستن فنون قرائت و حفظ قرآن به تخفیف مجازات یا بخشش آن می‌انجامید؛ برای مثال مردی نزد علی علیه السلام آمد و به دزدی اعتراف کرد. حضرت پرسید: آیا چیزی از قرآن می‌دانی؟ پاسخ داد: آری، سوره بقره را به خاطر سپرده‌ام. حضرت فرمود: در مقابل این سوره دستت را به خودت بخشیدم و قطع نمی‌کنم.

اشعث گفت: ای امیر مؤمنان، آیا حد الهی را تعطیل می‌کنی؟! حضرت فرمود: تو چه می‌دانی، اگر شاهدان بر جرم گواهی دهند، امام حق بخشش و تعطیل حدود الهی ندارد؛ اما این فرد به زیان خویش اعتراف کرده است. وقتی شاهدی بر گناهی گواهی نداد، امام حق دارد، حد الهی را ببخشد و جاری نسازد (شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۱۳۹۰: ۴/۲۵۲).

۵. حفظ قرآن در جایگاه مهریه

یکی از مهمترین مسائلی اجتماعی که در تمامی جوامع وجود داشته از اهمیت غیر قابل انکاری برخوردار است، مسئله ازدواج و تشکیل خانواده است. در امر ازدواج نیز یکی از مسائل مهم و کلیدی که بعضاً باعث مشکلات شده و خود سد راهی برای تحقق ازدواج آسان و سالم است، مهریه است. سختگیری‌هایی که در بسیاری از جوامع و حتی جوامع اسلامی وجود دارد، در دین مبین اسلام نیست. مهریه که در اصطلاح قرآن به آن «صداق» گفته شده، نشانی از صداقت شوهر و صمیمیت میان زوجین است، از این رو مهریه صرفاً یک داد و ستد مادی نیست. اهتمام به قرآن و حفظ آن در صدر اسلام چنان بود که یاد گرفتن سوره‌هایی از قرآن مهریه‌ی زن مسلمان قرار می‌گرفت. سهل بن سعد می‌گوید: زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من خود را به خدا و رسولش بخشیدم. حضرت فرمود: به زن نیاز ندارم. مردی



به رسول خدا ﷺ گفت: او را به ازدواج من در آور. حضرت فرمود: چیزی داری به وی دهی؟ مرد گفت: خیر. حضرت فرمود: حتی انگشتی از فلز! مرد معذرت خواست. حضرت پرسید: از قرآن چه می دانی؟ مرد پاسخ داد: سورهی فلان و فلان و همین طور سورههایی که حفظ بود، بر شمرد. حضرت فرمود: آیا می توانی از حفظ بخوانی؟ گفت: آری. پیامبر ﷺ فرمود: تو را به ازدواج او در آوردم، در برابر آنچه از قرآن داری به وی بیاموزی (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۶۱/۱۵؛ بخاری، الجامع الصحیح، ۱۴۰۱: ۱۲۹۵، ح ۵۰۳۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۳۵۲).

۶. تقدم حافظان در صحنه های اجتماعی

در صدر اسلام، ملاک تقدم افراد در کارهای مهم و حساس اجتماعی، دانستن قرائت و حفظ قرآن بود. پیامبر اسلام قاریان و حافظان را به منصبهایی چون فرماندهی و امامت جماعت می گماشت. در روایات چنان می خوانیم که نبی اکرم ﷺ مقرر داشت هر مسلمانی بیش از دیگران قرآن فرا گرفته، گرد آورده یا حفظ کرده است، بر دیگران فرمان راند و بر مردگان نماز گزارد (واقدی، المغازی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۳؛ عاملی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ۱۳۷۴: ۶۴).

در جنگ احد وقتی خواستند پیکر شهیدان را به خاک سپارند، شهیدی که بیش تر می دانست، مقدم بود یا مدفن آن که آیات بیش تری به خاطر سپرده بود، نزدیک تر به سیدالشهدا حمزه قرار می دادند (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۳۸/۱۵).

روزی پیامبر اسلام ﷺ جمعی را به سفری می فرستاد، از آن ها پرسید: چقدر قرآن می دانید؟ یکی از آن ها - که از همه جوان تر بود - پاسخ داد: من سوره بقره و چند آیه دیگر از قرآن می دانم. فرمود: بروید، این شخص سرپرست و امیر شما است. گفتند: شخصی که شما می فرمایید از همه جوان تر است! پیامبر ﷺ فرمود: او سوره بقره را حفظ است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۲/۱).

در عصر نبوی، حفظ قرآن چنان اهمیت داشت که حتی غلامان حافظ نیز بر مردم عادی مقدم شمرده می شدند. وقتی مهاجران به مدینه هجرت کردند، سالم غلام ابوحنذیفه، به دلیل این که از همه به فنون قرائت و حفظ قرآن آشناتر بود، امامت جماعت آن ها را بر عهده داشت.

۷. در شمار بزرگان امت جای گرفتن

هر کسی دوست دارد جایگاه خوبی در جامعه و میان مردم داشته باشد. بسیاری از مردم برای



داشتن جایگاه ممتاز اجتماعی، تلاش زیادی داشته و می‌کوشند که از هر طریق ممکن در جامعه مورد تکریم باشند. البته شایسته است، انسان معیار و ملاک عزت و احترام را در آموزه‌های قرآنی و حدیثی جستجو کند. یکی از ملاک‌هایی که برای شرافت در روایات ذکر شده است، حمل قرآن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بزرگان امت من، قاریان و حافظان و شب‌زنده‌داران هستند.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۹۲).

۸. آمادگی برای پاسخگویی سریع و صریح به شبهات

دشمنان اسلام و دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام برای به انحراف کشیدن مومنان به ویژه جوانان همواره به القاء شبهه روی می‌آورند. بسیاری از شبهاتی که نسبت به مکتب اهل بیت علیهم السلام مطرح می‌گردد را می‌توان با استفاده از آیات قرآنی، پاسخ داد؛ چراکه قرآن کریم به عنوان مرجعی مورد اتفاق در میان تمام امت اسلامی بوده و در حقانیت آن جای هیچ شک و تردیدی میان پیروان مکاتب گوناگون اسلامی نیست.

روشن است کسی که می‌خواهد به وسیله آیات قرآن چنین اشکالاتی را جواب دهد، نسبت به آیات قرآن باید یک تسلط و اشراف خوبی داشته باشد تا در مواقع نیاز بتواند به خوبی از آن بهره برد. کسی که قرآن را حفظ کرده باشد، از این نعمت الهی برخوردار بوده و به آسانی می‌تواند شبهات مطرح شده از سوی معاندان را دفع کند و مکتب اهل بیت علیهم السلام را از تهمت‌های ناروا مبرا نماید. حافظان قرآن خاطرات بسیاری از استفاده به جا و به موقع از آیات قرآن در مناظرات و مباحثات دارند که ذکر آن در اینجا به طول می‌انجامد.

۹. دریافت مستمری از بیت‌المال

قاریان و حافظان قرآن در مسائل مادی نیز از توجه ویژه برخوردار بودند و بخشی از بیت‌المال مسلمانان به آنان اختصاص داشت. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آن که اسلام را بپذیرد، فرمانبردار باشد و قرآن را قرائت و حفظ کند، هر سال دویست دینار از بیت‌المال بهره‌مند می‌شود؛ و اگر در دنیا به طور کامل به او داده نشود، روز قیامت - که نیاز بیش‌تری دارد - دریافت خواهد کرد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۵/۱).

در برخی منابع تاریخی چنان نگاشته است که امام علی علیه السلام برای آنان که قرآن قرائت می‌کردند، دوهزار دینار از بیت‌المال اختصاص می‌داده است (متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و



الافعال، ۱۴۰۵: ۲/۲۳۹).

۱۰. تشویق و تحفیظ دیگران

کسی که قرآن را فراگرفته و خود را به عطر قرآن خوشبو ساخته، باید بکوشد دیگر افراد جامعه به ویژه اهل خانه خود را نیز با قرآن مأنوس گرداند. بسیاری از حافظان قرآن با تشکیل کلاس‌های حفظ قرآن، شاگردان زیادی را پرورش کرده‌اند و این سلسله نورانی همچنان تداوم داشته و به امید خدا خواهد داشت. آموزش قرآن به قدری اهمیت دارد که ما در سیره معصومین علیهم‌السلام هم شاهد هستیم، این ذوات مطهر و مقدس قرآن را به دوستدارانشان آموزش داده‌اند.

زاذان از علاقه‌مندان و محبین امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. او صدایی زیبا و دلنشین داشت. روزی زاذان در کنار رود فرات در حضور عده‌ای از دوستان خود اشعاری را با صدای زیبا می‌خواند تا به محفل دوستانشان صفا و گرمی ببخشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام از آنجا عبور می‌کردند که صدای او را شنیدند و به او فرمودند: ای زاذان! تو با این ذوق و صدای قوی، چرا قرآن نمی‌خوانی و محفل خویش را با تلاوت آیات قرآن روح نمی‌بخشی؟ زاذان گفت: مولای من! به جز سوره‌های حمد و توحید چیزی از قرآن حفظ نیستم تا از آن بهره‌مند شوم. امیرالمؤمنین او را به نزد خود فرا خواندند و چیزی در گوش او نجوا فرمودند. پس از آن زاذان حافظ کل قرآن شد و در هر جمعی که حضور می‌یافت با صدای زیبای خود قلوب مشتاقان کلام خداوند را جلا می‌داد (راوندی، الخرائج و الجرائح، ۱۴۰۹: ۱/۱۹۵).

امیرمؤمنان علیه‌السلام با این اقدام خود که زاذان را با عنایتی خاص، در یک لحظه مفتخر به حفظ قرآن کرد، می‌خواست نشان دهد که آنچه شایسته یک جوان شیعه است، در مرتبه اول حافظ بودن است و بدین‌گونه زاذان مبلّغی برای کتاب خدا می‌گردد تا در مجالس و محافل مختلف کلام الهی را تلاوت نماید.

۱۱. جلوگیری از انحرافات فکری و اخلاقی جامعه

از اثرات اجتماعی بسیار ارزشمند حفظ قرآن کریم، زمینه‌سازی جهت عمل به آموزه‌های سعادت بخش آن کتاب و حاکمیتش در جامعه‌ی اسلامی است. جامعه‌ای حقیقتاً اسلامی نامیده می‌شود که عزم همگان تک تک افراد آن، توجه و عمل به قرآن کریم باشد. یعنی فرهنگ عمومی میان مردم، انس با قرآن و علاقه نسبت به آن باشد.

حفظ قرآن به عنوان زمینه ای بسیار مناسب برای عمومی کردن فرهنگ قرآن و حاکمیت احکام آن در متن اجتماع به حساب می آید. چون تمامی افراد جامعه با اعتقاد به حقانیت و نورانیت والای قرآن، دغدغه حفظ و به یادسپاری متقن آیات آن را داشته و با تکرار و یادآوری های پی در پی، دل و جان خویش را آماده ی اثرپذیری از این کلام روح افزا می کنند. خود این یادآوری و تکرار دائمی باعث می شود، پیام های روح بخش قرآن که ضامن سعادت و هدایت بشریت است به عنوان باورهای عمومی و همگانی تبدیل گشته و همگان در اجرای آن سعی بلیغ داشته باشند.

از سوی دیگر هر امر پر اهمیت و والایی، باید دارای عناصری باشد که آن را از گزندها و آسیبها مصون نماید. همان گونه که بدن انسان در معرض خطر بیماری های گوناگون است که برای محافظت و مقابله با این تهدیدات از واکسن استفاده می شود، (از باب نمونه متاسفانه ما در حال حاضر شاهدیم که جامعه جهانی گریبانگیر یک ویروس منحوس شده و برای دفع یا کاهش خطرناک ناشی از آن واکسن تجویز می شود)، جامعه نیز در معرض خطرات و آسیب هایی است. جامعه ی اسامی و اجتماع مسلمانان به عنوان نتیجه ی تبلور احکام عملی شریعت و دین، دارای قدر و منزلت و جایگاه ویژه ای است که برای محافظت آن از خطر انحراف های فکری و اخلاقی باید واکسینه شود. قرآن کریم در کنار عترت و امامان معصوم علیهم السلام در واقع همان عنصری است که اصول و گزاره های آن، حکم قانون اساسی جامعه ی اسلامی را دارا بوده و ضامن حفظ جامعه از این خطرات است. از این رو حفظ قرآن، عاملی است که برای زنده نگه داشتن قرآن و در صحنه ماندن آن به خوبی ایفای نقش می نماید.

۱۲. به کار بستن آیات قرآن در گفتگوی روزمره

کسی که قرآن را با فهم حفظ کرده است، افزون بر اینکه بهتر می تواند قرآن را فهمیده و به آن عمل کند، اگر با فهم معنا حفظ کرده باشد، می تواند در امور روزمره خود نیز از آیات الهی بهره برد. البته این امر علاوه بر تسلط زیاد بر آیات قرآن و معانی آن، یک صفای باطنی و اخلاص قلبی می طلبد که خداوند به بندگان خاصش مرحمت می کند. در تاریخ صدر اسلام نمونه بارز این امر خادمه با عظمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت فضا است. وی مدت های مدیدی جز با قرآن سخن نگفت. داستان شگفت سخن گفتن وی با عبدالله مبارک با بهره گیری از آیات قرآن را علامه مجلسی (ره) در کتاب بحار الانوار ذکر کرده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۴۳/۸۶).

هر چند فضیلت این بانوی محترمه دست نیافتنی می نماید؛ اما در دوران معاصر افراد پاکدلی نیز



هستند که به تناسب صفای باطنی و تلاششان از این موهبت بهره‌مند می‌شوند.

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، باعث احیاء مجدد قرآن در عرصه‌های مختلف شد. با گذشت چهاردهه از انقلاب اسلامی جهش چشم‌گیری در فعالیت‌های قرآن در جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است. حافظان و قاریان قرآن در حال حاضر چه به اعتبار کمیت و تعداد و چه به اعتبار کیفیت به هیچ عنوان قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. جلسات قرآن، برنامه‌های قرآنی رسانه ملی و چند رسانه ای، شبکه‌های مجازی، راه اندازی رشته‌های تخصصی قرآنی و تأسیس مراکز آموزشی قرآنی همه از برکات انقلاب اسلامی است.

البته لازم است در گام دوم انقلاب با نصب العین قرار دادن خود قرآن و فرمایشات حضرات معصومین علیهم‌السلام و با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری حفظ قرآن بسیار گسترده تر از وضع کنونی باشد. به گونه‌ای که از لحاظ تعداد کشور دارای میلیون‌ها حافظ قرآن باشد. از نظر مهارتی نیز حافظان به مهارت‌هایی نظیر زیبا خوانی و ترتیل خوانی فنی مسلط شوند و در بعد کیفی نیز حافظان قرآن هم تسلط بر مفاهیم و موضوعات قرآن داشته باشند و هم دارای دغدغه‌های قرآنی بوده و در پی عملی ساختن تعالیم قرآن در جامعه حرکت کنند. نتیجه همه این امور حرکت جامعه به سوی تمدن‌سازی اسلامی است.

برای تحقق این امر هر شخص و هر نهاد مؤثری برای گسترش فرهنگ انس با قرآن و حفظ قرآن بکوشد، به طور ویژه حوزه‌های علمیه، مراکز آموزش عالی، آموزش و پرورش، مؤسسات دینی و قرآنی، مساجد تکایا و هیئات مذهبی و نخبگان جامعه و وظائف سنگین‌تری دارند.

نتیجه

- ۱- واژه‌ی «حفظ» در زبان عرب به معنای نگهداری و به خاطر سپردن (ضد فراموشی) است.
- ۲- در صدر اسلام به حافظ قرآن، قاری گفته می‌شد و در واقع قرائت از حفظ جدا نبود. همچنین واژه‌هایی از قبیل جامع القرآن، الماهر فی القرآن، حامل القرآن از واژه‌های همسو با حفظ قرآن در صدر اسلام هستند. واژه حافظ پس از قرن اول برای حافظ قرآن به کار رفته است، بعدها این واژه مصطلح شد، برای کسی که حافظ صد هزار حدیث باشد.
- ۳- تمدن، تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است.
- ۴- لازمه ساختی یک تمدن خودسازی، خانواده سازی و جامعه سازی است.
- ۵- نورانیت و آبادانی قلب و ذهن، بهره مندی از گفتار نیک، مصونیت سازی، حسن عاقبت، پرچم دار اسلام، انس انسان با قرآن، آرامش روحی، نجات از تنهایی، همنشینی با فرشتگان، مشمول آمرزش الهی، پاداش مضاعف، پذیرفته شدن شفاعت، دریافت پاداش انبیا، فراهم شدن زمینه فهم قرآن و عمل به آن و محفوظ بودن از بلاهای آسمانی جزو تأثیرات فردی حفظ قرآن است.
- ۶- عملی شدن رهنمودهای قرآن در جامعه، الگو و اسوه بودن حافظ قرآن، استفاده از آیات قرآن در مقام ارشاد و تبلیغ، بخشش مجازات حافظان، در شمار بزرگان امت جای گرفتن، حفظ قرآن در جایگاه مهریه، تقدم حافظان در صحنه‌های اجتماعی، دریافت مستمری از بیت‌المال، تشویق و تحفیظ دیگران، جلوگیری از انحرافات فکری جامعه، آمادگی بهتر جهت پاسخگویی به شبهات، و به کار بستن قرآن در گفتگوی‌های روزمره نیز از مهمترین نتایج اجتماعی حفظ قرآن کریم است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیه، بی جا: چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دار الفکر، بیروت: ۱۴۰۱ ق.
۵. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، معارف، قم: ۱۳۸۶ ش.
۶. جعفری، محمدتقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۷. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۸. حرّ عاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، انتشارات اسلامی، تهران: چاپ ششم، ۱۳۶۷.
۹. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۷.
۱۰. حلی، احمد بن محمد بن فهد، عدة الداعی و نجات الساعی، دار الکتب الاسلامی، بی جا: ۱۴۰۷ ق.
۱۱. دهنخدا، علی اکبر، لغتنامه، انتشارات دانشگاه، تهران: ۱۳۷۱.
۱۲. رازی، ابوالحسین احمد بن فارس، معجم مقانیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دار العلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق: ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۴. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی (عج)، قم: ۱۴۰۹.
۱۵. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاسلامی، قم: ۱۳۶۳ ه.
۱۶. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.



۱۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دار الکتب الاسلامیه، تهران: چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۱۸. _____، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۰۳ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۱. عاملی، جعفر مرتضی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۴.
۲۲. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، مجمع العلمی الاسلامی، تهران: چاپ دوم ۱۴۱۶ ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، المطبعة العلمية، تهران: ۱۳۸۰ ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، نشر هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان: ۱۴۰۶ ق.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دار الرضی، قم: بی تا.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: ۱۳۶۰.
۳۰. مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: ۱۳۷۷.
۳۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه نشر اسلامی، قم: چاپ سوم، ۱۴۱۶.
۳۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۱.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تنظیم و نشر آثار اسلامی، تهران: ۱۳۷۶.



۳۵. نوری، محدث میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۸.
۳۶. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، منشورات اعلمی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۹.
۳۷. المتقی الهندی، علاءالدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بی جا: چاپ پنجم، ۱۴۰۵



References

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Al-Muttaqi al-Hindi, Alaoddin Ali, Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afa'al (The Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds), Muassasah al-Risalah, N.p.: ۵th Edition, ۱۴۰۵.
۳. Amili, Jafar Murtaza, A New Research on the Holy Quran, Islamic Propaganda Coordination Council, Qom: ۱۹۹۵.
۴. Askari, Murtaza, The Holy Quran and the Narrations of the Two Major Islamic Sects, Islamic Scientific Assembly, Tehran: ۲nd Edition ۱۴۱۶ AH.
۵. Ayyashi, Muhammad bin Massoud, Tafsir Ayyashi, Al-Ilmiyyah Press, Tehran: ۱۳۸۰ AH.
۶. Bukhari, Muhammad bin Ismail, Al-Jame' al-Sahih, Dar Al-Fikr, Beirut: ۱۴۰۱ AH.
۷. Dekhoda, Ali Akbar, Dictionary, University of Terhan Press, Tehran: ۱۹۹۲.
۸. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ayn, Hijrat Publishing, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۱۰ AH.
۹. Fayumi, Ahmad bin Muhammad Muqarriya, Al-Misbah Al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir li al-Rafi'i, Publications of Dar Al-Razi, Qom: n.d.
۱۰. Fayz Kashani, Muhammad bin Murtaza, Al-Wafi, Library of Imam Amir al-Mu'minin Ali (A.S), Isfahan: ۱۴۰۶ AH.
۱۱. Harrani, Hassan bin Shu'bah, Tuhaf al-Uqul, Jamia' Mudarrisin Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۰۴.
۱۲. Hassanzadeh Amoli, Hassan, One Thousand and One Words, Bustn e Ketab, Qom: ۲۰۱۸.
۱۳. Hilli, Ahmad bin Muhammad bin Fahd, Uddah al-Dai'e wa Najat al-Sai'e, Dar al-Kitab al-Islami, N.p: ۱۴۰۷ AH.



۱۴. Hurr Amili, Sheikh Muhammad bin al-Hassan, Wasail al-Shiah, Islamiyyah Publication , Tehran: ۶th Edition, ۱۹۸۸.
۱۵. Ibn Abi al-Hadid, Sharh Nahj al-Balaghah, Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah, N.p: ۶nd Edition, ۲۰۰۸.
۱۶. Ibn Manzur, Abu al-Fadhl Jamal al-Din Muhammad bin Mukarram, Language of the Arabs, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution - Dar Sadert, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۱۴ AH.
۱۷. Jafari, Muhammad Taqi, Translation and Explanation of Nahj al-Balaghah, Islamic Culture Publishing, Tehran: ۱۹۹۷.
۱۸. Jan Ahmadi, Fatima, History of Islamic Culture and Civilization, Ma'aref, Qom: ۲۰۰۷.
۱۹. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۴th Edition, ۱۹۸۶.
۲۰. Ma'refat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (An Introduction to Quranic Sciences), Islamic Publishing Institute, Qom: ۳rd Edition, ۱۴۱۶.
۲۱. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anvar (The Oceans of Lights), Al-Wafa Institute, Beirut: ۶nd Edition, ۱۴۰۳.
۲۲. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis of Quran), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۰.
۲۳. Moein, Muhammad, Moein Persian Dictionary, Amir Kabir, Tehran: ۱۹۹۲.
۲۴. Mousavi Khomeini, Ruhollah, Tahrir al-Waseela, Editing and Publishing Islamic Works, Tehran: ۱۹۹۷.
۲۵. Mudarrissi, Muhammad Taqi, Tafsir Hidayat (Exegesis of Guidance), Islamic Research Foundation, Mashhad: ۱۹۹۸.
۲۶. Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi al-Kalimat al-Quran al-Karim (Research on the Words of the Holy Quran), Book Translation and Publishing Company, Tehran: ۱۹۸۱.
۲۷. Nouri, Muhaddith Mirza Hossein, Mustadrak al-Wasail, Alul-Bayt Institute, Qom: ۱۴۰۸.



۲۸. Raghīb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of the Quranic Words), Researched by Safwan Adnan Dawoodi, Dar al-Ilm - Dar al-Shamiyyah, Beirut - Damascus: ۱۴۱۲ AH.
۲۹. Ravandi, Qutbuddin, Al-Kharaj wa Al-Jaraih, Imam Mahdi (A.S) Institute, Qom: ۱۴۰۹.
۳۰. Razi, Abu al-Hossein Ahmad bin Faris, Mu'jam al-Maqais al-Lughah (Dictionary of Comparative Language / An Analogical Templates of Language), Islamic Preaching Center Publications, Qom: ۱۴۰۴ AH.
۳۱. Rey Shshahri, Muhammad, Mizan al-Hikmah (The Scale of Wisdom), Maktab al-Islami, Qom: ۱۹۸۴.
۳۲. Saduq, Muhammad bin Ali Ibn Babawayh, Ma'ani al-Akhbar (The Meanings of Narrations), Islamic Publications Office Affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, Qom: ۱۴۰۳ AH.
۳۳. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah, Edited by Subhi Salih, Hijrat, Qom: ۱۴۱۴ AH.
۳۴. Sheikh Tusi, Abu Ja'far Muhammad bin Hassan, Al-Istibsar fima Difaqa min al-Akhbar (The Clarification on the Disputed Narrations), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۳rd Edition, ۲۰۱۱.
۳۵. Sheikh Tusi, Abu Ja'far Muhammad bin Hassan, Tahdhib al-Ahkam (The Purification of Islamic Laws), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۴th Edition, ۱۴۰۷ AH.
۳۶. Tabarsi, Faddl bin Hassan, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Confluence of Expressions on the Quranic Exegesis), Nasser Khosrow Publications, Tehran: Third Edition, ۱۹۹۳.
۳۷. Waqidi, Muhammad bin Umar, Al-Maghazi (The Prophet's Participated Battles), Muassasah A'lami, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۹.
۳۸. www.khamenei.ir